

حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در نوجوانان: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و حرمت خود

Social Support and Life Satisfaction in Adolescents: The Mediating Role of Self-Efficacy and Self-Esteem

Aliasghar Hoseinzadeh
PhD in Psychology

Morteza Azizi, PhD
Islamic Azad University
Sarab Branch

مرتضی عزیزی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد سراب

علی اصغر حسین زاده
دکتری روان‌شناسی عمومی

Hossein Tavakoli
MA in General Psychology

حسین توکلی
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه یک مدل برای ارتباط حمایت اجتماعی، خودکارآمدی، حرمت خود و رضایت از زندگی بود. ۲۱۳ دانش‌آموز مقطع دبیرستان (۱۱۱ دختر، ۱۰۲ پسر) برای شرکت در این مطالعه به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده (زیمت، دالم، زیمت و فارلی، ۱۹۸۸)، مقیاس خودکارآمدی عمومی (شرر و دیگران، ۱۹۸۲)، مقیاس حرمت خود (رزنبرگ، ۱۹۶۵) و مقیاس رضایت از زندگی (دینر، امانس، لارسن و گریفین، ۱۹۸۵) را پاسخ دادند. نتایج تحلیل مسیر نشان دادند حمایت اجتماعی با سه متغیر خودکارآمدی، حرمت خود و رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار دارد. افزون بر آن، رابطه حرمت خود با رضایت از زندگی و رابطه خودکارآمدی با حرمت خود مثبت و معنادار بود. در مجموع یافته‌ها نشان دادند حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی اثر مستقیم دارد و به واسطه خودکارآمدی و حرمت خود بر رضایت از زندگی به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار است. نتایج این پژوهش ضرورت توجه به منابع حمایت اجتماعی در تقویت خودکارآمدی، حرمت خود و رضایت از زندگی نوجوانان را مورد تأکید قرار داد.

واژه‌های کلیدی: رضایت از زندگی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، خودکارآمدی، حرمت خود

Abstract

The aim of the present study was to formulate a model based on the relationships of social support, self-efficacy, self-esteem and life satisfaction. Two hundred and thirteen high school students (111 females, 102 males) were selected by cluster sampling. The participants completed the Multidimensional Scale of Perceived Social Support (Zimet, Dahlem, Zimet, & Farley, 1988), the Self-Efficacy Scale (Scherer et al., 1982), the Self-Esteem Scale (RSES; Rosenberg, 1965) and the Satisfaction with Life Scale (SWLS; Diener, Emmons, Larsen, & Griffin, 1985). The results of path analysis indicated that 1) social support had significant positive relationships with self-efficacy, self-esteem and life satisfaction, 2) there was significant positive relationship between self-esteem and life satisfaction, 3) there was significant positive relationship between self-efficacy and self-esteem, and 4) social support had direct relationship with life satisfaction, and indirect relationship through self-efficacy and self-esteem. The findings suggested that social support resources should be taken into consideration in promoting self-efficacy, self-esteem and life satisfaction in adolescents.

Keywords: life satisfaction, perceived social support, self-efficacy, self-esteem

received: 7 January 2014

accepted: 10 May 2014

Contact information: hoseinzadeh_20@yahoo.com

دریافت: ۹۲/۱۰/۱۷

پذیرش: ۹۳/۲/۲۰

مقدمه

نوجوانی یک مرحله تحولی وابسته به سن، پلی بین کودکی و بزرگسالی و دوره‌ای بحرانی در زندگی است. در نتیجه، روان‌شناسان از دیرباز آن را به عنوان یک دوره مهم در گستره زندگی به رسمیت شناخته‌اند (آرنت، ۲۰۱۰؛ مجدآبادی و فرزاد، ۱۳۹۱). این دوره با تغییرات چشمگیر فیزیکی، روان‌شناختی و اجتماعی همراه است (فریسن، ۲۰۰۷)، و تلاش برای سازش با این تغییرات ممکن است رضایت از زندگی^۱ نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد.

رضایت از زندگی به عنوان ارزیابی کلی شخص از کیفیت زندگی با توجه به معیار انتخابی، تعریف شده است (شین و جانسون، ۱۹۷۸). به علاوه، رضایت از زندگی هسته بهزیستی ذهنی^۲ و یک ارزیاب کلیدی از سلامت روان است (پاوت و دینر، ۲۰۰۸). بهزیستی ذهنی شامل دو مؤلفه شناختی و عاطفی است. مؤلفه شناختی به رضایت از زندگی اشاره دارد که یک ارزیابی کلی از کیفیت زندگی است (دینر و دینر، ۱۹۹۵)، درحالی که مؤلفه عاطفی نشانگر احساس‌های آنی مثبت و منفی افراد است (دینر و لوکاس، ۱۹۹۹).

رضایت از زندگی از چندین جهت حائز اهمیت است: تأمین سلامت روانی-جسمانی، افزایش طول عمر و اثبات ارزش شادکامی برای انسان. اندازه‌گیری شاخص کیفیت زندگی همراه با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را مشخص می‌سازد (دینر، سو، لوکاس و اسمیت، ۱۹۹۹).

رضایت از زندگی در تجربه‌های متفاوت دوران زندگی مشارکت دارد. برای مثال، مدل ارائه‌شده توسط هیوبنر (۱۹۹۴) نشان داد رضایت کلی از زندگی با ترکیب پنج محیط متفاوت دوستان، مدرسه، محیط زندگی، خانواده و خود به دست می‌آید. مروری بر پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که رضایت از زندگی با حرمت خود (شک، ۲۰۰۵؛ ژانگ، ۲۰۰۵؛ چاو، ۲۰۰۵ و کاپیکیران، ۲۰۱۳)، روابط خانوادگی (هیوبنر، گیلان و لاولین، ۱۹۹۹) و حمایت اجتماعی رابطه مثبت دارد (دینر و سلیگمن، ۲۰۰۲؛ ادوارد و لوپز، ۲۰۰۶؛ وان، جکارد و ریمی، ۱۹۹۶). افزون بر آن رضایت از زندگی با امیدواری، روابط

بین شخصی، توازن و هماهنگی نیز رابطه مثبت دارد (هیوبنر و گیلان، ۲۰۰۶).

بررسی‌ها نشان داده‌اند روان‌شناسی مثبت‌گرا، یکی از گرایش‌های روان‌شناسی، با جهت‌گیری به سمت سازش با تغییرات و مقابله با مشکلات زندگی، باعث ایجاد ویژگی‌های مثبت و ارتقای کیفیت زندگی می‌شود (سلیگمن و چیک‌سنت‌مهالی، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر، روان‌شناسی مثبت‌گرا به جای مشکلات روانی، عمدتاً بر سلامت روانی افراد تمرکز یافته (کاپیکیران، ۲۰۱۳) و رضایت از زندگی هسته روان‌شناسی مثبت‌گرا محسوب می‌شود (دینر و دیگران، ۱۹۹۹).

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم سازش‌یافتگی در حیطه روان‌شناسی مثبت، خودکارآمدی است (سیندر و لوپز، ۲۰۰۲). خودکارآمدی^۳ یک سازه محوری در نظریه شناخت اجتماعی^۴ محسوب می‌شود و نشان‌دهنده اطمینان شخص از انجام تکلیف یا کاری خاص است (بندورا، ۱۹۹۷). افزون بر آن، تعریف دیگری از خودکارآمدی عمومی عبارت است از ادراک فرد از توانایی خود برای عمل کردن در موقعیت‌های متفاوت (چن، گالی و ادن، ۲۰۰۱). بنابراین، از یک سو خودکارآمدی عموماً یک وضعیت خاص در نظر گرفته می‌شود و از سوی دیگر پژوهشگران به نوعی خودکارآمدی تعمیم‌یافته اشاره دارند که نشان‌دهنده توانایی مقابله در همه قلمروها و موقعیت‌های جدید است (شرر و دیگران ۱۹۸۲؛ شوارزر و جروسلام، ۱۹۹۵).

پژوهشگران بسیاری تصریح کرده‌اند که خانواده و محیط اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری باور به خودکارآمدی دارند (شوارتز، ۲۰۰۰؛ ورسیمو، ۲۰۰۵). براساس نظر بندورا (۱۹۷۷) احساس خودکارآمدی ناشی از محیط امن و حمایت‌گر خانواده است که از طریق فراهم کردن پیامدهای رفتاری مناسب، به فرد امکان می‌دهد چالش‌ها و تهدیدهای بالقوه محیطی را اداره و به درستی تفسیر کند و با کاستن افکار نگران‌کننده و منفی، حالت هیجانی خود را تنظیم کند. این باورهای مثبت با توانا ساختن نوجوان در مقابل درخواست‌های اجتماع، راه را برای رسیدن او به موفقیت هموار می‌سازند (مهبد و فولادچنگ، ۱۳۹۱).

خودکارآمدی مزیتی است که شرایط را برای افزایش رضایت از زندگی و تحول روانی-اجتماعی فراهم می‌کند (سولدو و هیوبنر،

علی اصغر حسین زاده، مرتضی عزیزی، حسین توکلی

آزم‌مرادی (۲۰۱۲) و اسدی، واسودوا و عبدالهی (۲۰۰۶) نیز رابطه مثبت حرمت خود با خودکارآمدی و کیفیت زندگی را تأیید کرده‌اند.

حمایت اجتماعی یکی دیگر از متغیرهای مهم در سازش‌یافتگی نوجوانان محسوب می‌شود (روگر، مالکی و دماری، ۲۰۱۰) و از جمله متغیرهایی است که نقش مهمی در رضایت از زندگی دارد. حمایت اجتماعی اطلاعاتی است که شخص را بر این باور هدایت می‌کند که ارزشمند، مورد علاقه، محبت و تأیید خانواده و دوستان است. به عبارت دیگر، فرد ادراک می‌کند که به شبکه‌ای از ارتباطات متقابل تعلق دارد (کوب، ۱۹۷۶). هنگامی که فرد درک می‌کند از سوی خانواده و دوستان پذیرفته شده است و در روابط بین‌فردی عضو مهم به حساب می‌آید، حرمت، اطمینان و کارایی او افزایش می‌یابد (ویندل، ۱۹۹۲). از این رو به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی از جمله متغیرهایی است که دیدگاه مثبتی از زندگی برای افراد به ارمغان می‌آورد. اما آیا رابطه بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی یک رابطه خطی ساده است؟

به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی از دو طریق رضایت از زندگی را متأثر می‌سازد. نخست تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی است بدون در نظر گرفتن تأثیر میزان استیصال تجربه‌شده از جانب فرد، دوم تأثیر غیرمستقیم یا تأثیر واسطه‌ای آن است که از افراد در مقابل اثرات منفی شرایط تنیدگی‌زا محافظت می‌کند (ون لیون و دیگران، ۲۰۱۰).

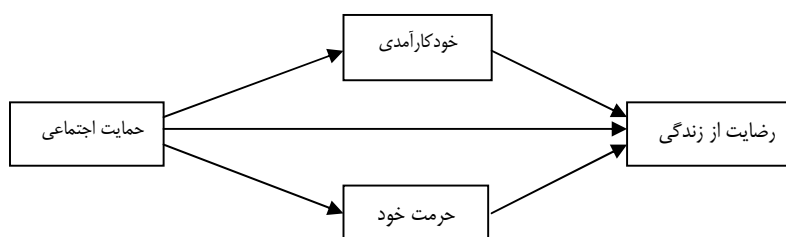
شوارز و کنول (۲۰۰۷) با استناد به مبانی نظری و تجربی موجود و با هدف تأکید بر سازوکارهایی که بر مبنای آنها، حمایت اجتماعی می‌تواند در پیش‌بینی تجربه‌های تنیدگی‌زای افراد مؤثر واقع شود، فرضیه توانمندسازی^۳ را مطرح کردند. در این فرضیه تأکید می‌شود که حمایت اجتماعی از طریق تقویت باورهای خودکارآمدی در پیش‌بینی تجربه‌های تنیدگی‌زا ایفای نقش می‌کند. براساس دیدگاه عاملیت پیش‌گستر^۴، تجربه حمایت در برابر مطالبات موقعیت به مثابه یک عامل حفاظتی احتمالی محسوب نمی‌شود (بنیت و بندورا، ۲۰۰۴)، بلکه از طریق افزایش توانمندی‌ها و سازش فرد در رویارویی با چالش‌ها و غلبه بر مشکلات، خودمهارگری او را افزایش داده و

مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد خودکارآمدی در نوجوانان (میکائیلی‌منیع و مهنا، ۱۳۹۲) و دانشجویان با رضایت از زندگی رابطه مثبت دارد (ساوی‌کاکار، ۲۰۱۲؛ رستمی و دیگران، ۱۳۸۹ و هومن، احدی، سپاه‌منصور و شیخی، ۱۳۸۹). افزون بر آن، ملکی‌پیربازاری، نوری و صرامی (۱۳۹۰) نیز نقش واسطه‌ای خودکارآمدی را در رابطه بین حمایت اجتماعی و افسردگی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنها نشان دادند، برخورداری از حمایت دوستان به صورت مستقیم و حمایت خانواده به صورت غیرمستقیم از طریق نقش تعدیل‌کننده خودکارآمدی، با افسردگی ارتباط دارد.

از سوی دیگر، حرمت خود نیز ویژگی مهمی در سلامت روانی نوجوانان محسوب می‌شود که بر رضایت از زندگی نیز اثر دارد. حرمت خود درجه تأیید و ارزشی است که شخص نسبت به خود احساس می‌کند یا قضاوتی است که فرد نسبت به ارزشمند بودن خود دارد (اسمیت، نولن-هکسما، فردریکسون و لوفتوس، ۲۰۰۲). از لحاظ نظری منشاء حرمت خود به منزله یک تعدیل‌کننده، بر فرضیه منشاء انعطاف‌پذیری^۱ بروکنر^۲ (۱۹۸۳، ۱۹۸۸ نقل از ماکیکانگاس و کینان، ۲۰۰۳) که بر حرمت خود به عنوان سپری محافظ در برابر تنیدگی دارد، استوار است. بر اساس این فرضیه افراد با حرمت خود بالا نسبت به افراد با حرمت خود پایین در مقابل رویدادهای محیطی و عوامل تنیدگی‌زا انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. از این رو به نظر می‌رسد ارزیابی مثبت خود که در قالب حرمت خود مشخص می‌شود برای بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی ضروری است زیرا باعث ارزیابی مثبت فرد از زندگی می‌شود (چا، ۲۰۰۳). پژوهش‌های بسیاری وجود ارتباط مثبت حرمت خود با رضایت از زندگی را گزارش کرده‌اند (لانگ، مونتتا و مک‌برایت-چنگ، ۲۰۰۵؛ دیلماک و اکسی، ۲۰۰۸). افزون بر آن، نتایج بررسی دینر و دینر (۱۹۹۵) در مورد دانشجویان ۳۱ کشور، مشخص ساخت که حرمت خود با رضایت از زندگی رابطه مثبت دارد. بررسی دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری نیز نشان داد حرمت خود رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند (رجبی، ابوالقاسمی و عباسی، ۱۳۹۱). برخی مطالعات دیگر از جمله رضویان، پاداش و

بهبودی بود، درحالی که در اواسط نوجوانی، حرمت خود در رابطه بین حمایت از طرف دوستان و بهزیستی، نقش متغیر تعدیل‌کننده را ایفا می‌کرد.

از آنجا که با ظهور و رشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، نقش حفاظتی مؤلفه‌هایی از قبیل شادکامی، خوش‌بینی، امید و رضایت از زندگی به عنوان شاخص‌های سلامت روانی مد نظر قرار داده شده است، در راهبرد جدید سازمان بهداشت جهانی نیز بر تمرکز مطالعات بر چشم‌انداز سلامتی (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۱)، و شاخص‌های مثبت مانند رضایت از خود یا رضایت از زندگی تأکید شده است (کاون^۱، ۱۹۹۱ نقل از کوزه‌چیان، نوروزی‌سیدحسینی و مرادی، ۱۳۹۱) که بر ضرورت پژوهش بیشتر در این حوزه صحت می‌گذارند. با این وجود، تاکنون در ایران مطالعات اندکی در حوزه روان‌شناسی مثبت انجام شده است و به‌خصوص سازوکاری که از طریق آن حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی اثر می‌گذارد، مورد اغماض قرار گرفته و بررسی نشده‌اند. به همین دلیل هدف این پژوهش از بررسی ارتباط بین این متغیرها ارائه یک مدل برای تبیین رضایت از زندگی (شکل ۱) و پاسخ به این دو سؤال است که آیا حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی نوجوانان رابطه دارد و آیا متغیرهای خودکارآمدی و حرمت خود در رابطه با حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند؟



شکل ۱. مدل مفروض روابط حمایت اجتماعی، خودکارآمدی و حرمت خود بر رضایت از زندگی

در نظر گرفتن ریزش احتمالی و افزایش دقت، نمونه‌ای متشکل از ۲۲۶ نفر (۱۱۷ دختر و ۱۰۹ پسر) و میانگین سنی ۱۶/۴ سال به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. پس از حذف ۱۳ فرم ناقص، ۲۱۳ نفر (۱۱۱ دختر و ۱۰۲ پسر) به مقیاس‌های پژوهش پاسخ دادند.

مقیاس خودکارآمدی عمومی^۲ (شرر و دیگران، ۱۹۸۲).

این مقیاس ۱۷ ماده‌ای، سه جنبه از رفتار شامل میل به آغازگری

فرصت استفاده از تجربه‌های جانشین را فراهم می‌کند (شکری، فراهانی، کریمی‌نوری و مرادی، ۱۳۹۱). افزون بر آن، وجود حمایت اجتماعی خلق تصور مثبت از خود، پذیرش خود، امیدواری و خودشایستگی را ارتقا می‌دهد و موجب رضایت بیشتر فرد از زندگی می‌شود (عسگری و شرف‌الدین، ۱۳۸۷). به همین دلیل، با توجه به آنچه پیشتر اشاره شد، به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق تقویت خودکارآمدی و حرمت خود نیز رضایت از زندگی را بهبود می‌بخشد.

در مورد حمایت اجتماعی پژوهش‌های زیادی به عمل آمده است. ادواردز و لویز (۲۰۰۶) در بررسی خود، رابطه قوی و مثبت بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی را در نوجوانان گزارش کردند. این یافته در سایر پژوهش‌ها نیز مورد تأیید قرار گرفته است (وانگ، چنگ، هی و وو، ۲۰۱۰؛ دورو، ۲۰۰۸). همچنین بررسی تیان، لیو، هانگ و هیوینر (۲۰۱۳) با دو گروه متفاوت از دانش‌آموزان اوایل و اواسط نوجوانی نشان داد که در اوایل نوجوانی حمایت از سوی معلم و والدین و در اواسط نوجوانی، حمایت از سوی معلم و دوستان با بهزیستی (شاخص رضایت از مدرسه، عاطفه مثبت و منفی در مدرسه) رابطه دارد. افزون بر آن، در مورد دانش‌آموزانی که اوایل نوجوانی را سپری می‌کردند، حرمت خود تعدیل‌کننده رابطه بین حمایت معلم

روش

این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی، تجربی و ریاضی مقطع دبیرستان شهرستان محمودآباد در سال ۱۳۹۲ بود. هر چند درباره حجم نمونه بهینه برای چنین تحقیقاتی توافق عمومی وجود ندارد، اما بر اساس توصیه‌های کلاین (۱۹۹۸) مبنی بر انتخاب ۲۰ نفر به ازای هر پارامتر، با

1. Cowen, E.

2. General Self-Efficacy Scale

در هر یک از مقیاس‌های سه‌گانه به دست می‌آید. کانتی-مچپل و زیمت (۲۰۰۰) اعتبار این مقیاس را برای خانواده، دوستان، دیگران مهم و کل به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۹۱ و ۰/۹۳ گزارش کردند. در پژوهش ادوارز (۲۰۰۴) اعتبار این مقیاس برای خانواده، دوستان، دیگران مهم و کل به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۰، ۰/۶۱ و ۰/۸۶ به دست آمد. سلیمی، جوکار و نیک‌پور (۱۳۸۸) این مقیاس را در نمونه‌ای از دانشجویان اجرا و اعتبار این مقیاس را برای سه زیرمقیاس حمایت خانواده، دوستان و دیگران مهم به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۶ و ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی^۳ (دینر، امانس، لارسن و گرین، ۱۹۸۵). این مقیاس دارای پنج ماده است که قضاوت کلی فرد را نسبت به رضایت از زندگی اندازه‌گیری می‌کند و براساس مقیاسه شرایط زندگی با استانداردهای از پیش تعیین شده است. این مقیاس در طیف لیکرت یک (کاملاً مخالف) تا هفت (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین کمترین نمره در این مقیاس پنج و بیشترین آن ۳۵ خواهد بود. ضرایب همسانی درونی مقیاس بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۹ گزارش شده است (دینر و دیگران، ۱۹۸۵؛ لویز و دیگران، ۱۹۹۵). افزون بر آن، پوت، دینر، کولین و ساندویک (۱۹۹۱) اعتبار مقیاس را با فاصله زمانی یک ماه ۰/۸۴ و آلفونسو، آلیسون، رادر و گورمن (۱۹۹۲) با فاصله زمانی دو هفته ۰/۸۳ گزارش کردند. در مطالعه هومن و دیگران (۱۳۸۹) اعتبار این مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۷ گزارش شده است. در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته‌ها

برای برازش مدل اولیه اثر مستقیم و غیرمستقیم حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند ضرایب مسیر حمایت اجتماعی به خودکارآمدی، حرمت خود و رضایت از زندگی و ضریب مسیر حرمت خود به رضایت از زندگی مثبت و معنادار است، اما ضریب مسیر خودکارآمدی به رضایت از زندگی

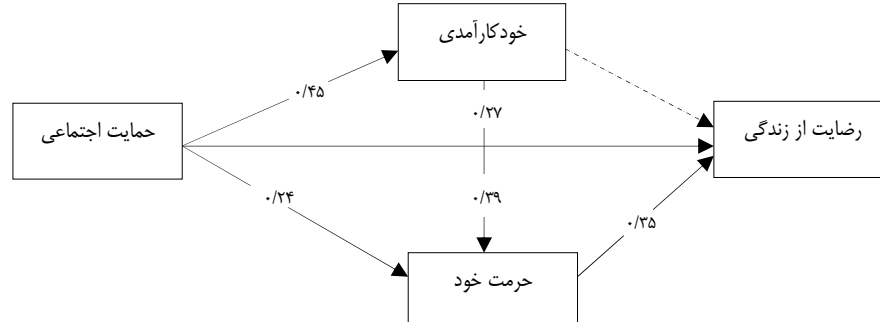
رفتار، میل به گسترش تلاش برای انجام تکلیف و مقاومت در مقابل رویارویی با موانع را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری این مقیاس به روش چهار درجه‌ای لیکرت از پاسخ کاملاً مخالف (نمره یک)، تا پاسخ کاملاً موافق (نمره چهار) صورت می‌گیرد. نمره کل از جمع تمام ماده‌ها به دست می‌آید. بنابراین دامنه نمرات بین ۱۷ و ۶۸ است. شرر و دیگران (۱۹۸۲) میزان آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۶ گزارش کردند. اعتبار این مقیاس با استفاده از همبستگی مقیاس خودکارآمدی عمومی و اسناد بیرونی و درونی ۰/۷۹ گزارش شد (براتی، ۱۳۸۶ نقل از احدی، نریمانی، ابوالقاسمی و آسیایی، ۱۳۸۸). در مطالعه اصغرنژاد، احمدی‌ده‌قطب‌الدینی، فرزاد و خدایانی (۱۳۸۳) نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد.

مقیاس حرمت خود^۱ (رزنگر، ۱۹۶۵). این مقیاس شامل ۱۰ ماده است که احساس‌های کلی ارزشمندی یا پذیرش خود را به صورت مثبت ارزیابی می‌کند. این مقیاس بر مبنای لیکرت چهار درجه‌ای از یک (کاملاً مخالف) تا چهار (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره‌های این مقیاس بین ۱۰ تا ۴۰ است. در این مقیاس نمره‌های بالاتر نشانگر حرمت خود بالاتر شخص است. اعتبار مقیاس در نمونه ایرانی ۰/۸۴ گزارش شده است (رجبی و بهول، ۱۳۸۶)، افزون بر آن اعتبار این مقیاس از طریق سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دونیمه‌سازی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۸ گزارش شده است (محمدی، ۱۳۸۴). در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد.

مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده^۲ (زیمت، دالم، زیمت و فارلی، ۱۹۸۸). مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده، یک ارزیاب ذهنی از کفایت حمایت اجتماعی در سه منبع خانواده، دوستان و دیگران مهم و شامل ۱۲ ماده است که براساس طیف لیکرت هفت درجه‌ای تنظیم شده است. در این مقیاس هر چهار ماده بر اساس منابع حمایت اجتماعی، به یکی از گروه‌های عاملی خانواده، دوستان و دیگران مهم، منتسب شده است و با افزایش نمره افراد، نمره آنها در عامل کلی حمایت اجتماعی ادراک‌شده، افزایش نشان می‌دهد. علاوه بر این، از حاصل جمع نمره فرد در ماده‌های هر مقیاس، نمره کلی

غیرمعنادار نیست. همچنین مشخص شد برخی از شاخص‌های مدل اولیه، برازش لازم را ندارد. در مرحله دوم، مدل جدید (شکل ۲) با اعمال برخی اصلاحات، حذف مسیر مستقیم

معدار نیست. همچنین مشخص شد برخی از شاخص‌های مدل اولیه، برازش لازم را ندارد. در مرحله دوم، مدل جدید (شکل ۲) با اعمال برخی اصلاحات، حذف مسیر مستقیم



شکل ۲. اثر مستقیم و غیرمستقیم حمایت اجتماعی، خودکارآمدی و حرمت خود بر رضایت از زندگی

از زندگی، خودکارآمدی و حرمت خود به ترتیب ۰/۲۷، ۰/۴۵ و ۰/۲۴ است. به علاوه، اثر غیرمستقیم حمایت اجتماعی به رضایت از زندگی (۰/۱۵)، اثر غیر مستقیم حمایت اجتماعی به حرمت خود (۰/۱۷) و اثر غیرمستقیم خودکارآمدی به رضایت از زندگی (۰/۱۴) معنادار است.

همانطوری که در شکل ۲ مشاهده می‌شود تمامی ضرایب مسیر در مدل تعدیل‌شده مثبت و معنادار است و نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد مدل تعدیل‌شده با داده‌های پژوهش برازش مطلوبی دارد. با توجه به جدول ۲ اثر مستقیم حمایت اجتماعی بر رضایت

جدول ۱

شاخص‌های آزمون برازش مدل

شاخص‌ها	χ^2	RMSEA	NFI	CFI	GFI
مدل اول	۵/۵۴	۰/۱۱	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۴
مدل تعدیل شده	۲/۵۳	۰/۰۶	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹

جدول ۲

نتایج آزمون تحلیل مسیر عوامل خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، حرمت خود و رضایت از زندگی

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
حمایت اجتماعی به خودکارآمدی	۰/۴۵		۰/۴۵
خودکارآمدی به حرمت خود	۰/۳۹		۰/۳۹
حمایت اجتماعی به رضایت از زندگی	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۴۲
حمایت اجتماعی به حرمت خود	۰/۲۴	۰/۱۷	۰/۴۱
خودکارآمدی به رضایت از زندگی	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۲۸
حرمت خود به رضایت از زندگی	۰/۳۵		۰/۳۵

مدل حذف شد و مسیری از خودکارآمدی به حرمت خود، به مدل اضافه شد. بر اساس تغییرات اعمال‌شده، شاخص‌های مدل برازش مطلوبی را نشان دادند.

یافته‌های پژوهش نشان دادند حمایت اجتماعی، حرمت خود را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند، و به واسطه حرمت خود اثر غیرمستقیم مثبت بر رضایت از زندگی دارد که با نتایج پژوهش (لانگ و دیگران، ۲۰۰۵؛ دیلماک و اکسی، ۲۰۰۸؛ دینر و دینر،

بحث

هدف این پژوهش تعیین مدل روابط حمایت اجتماعی، خودکارآمدی، حرمت خود و رضایت از زندگی بود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر و برازش مدل استفاده شد.

مدل اولیه نشان داد برخی از شاخص‌های مدل برازش مطلوبی با داده‌ها نداشته و نیازمند تغییر است. به این منظور مسیر مستقیم غیرمعنادار خودکارآمدی به رضایت از زندگی از

به افزایش باورهای خودکارآمدی منجر می‌شود (شکری و دیگران، ۱۳۹۱). برای مثال، بریست، شیر و کارور (۲۰۰۲) دریافتند حمایت اجتماعی از طرف دوستان و خانواده می‌تواند به واسطه خودکارآمدی، اقدام به خودکشی را پیش‌بینی کند. همچنین افراد با حمایت اجتماعی ادراک‌شده بالا، نسبت به آینده خوش‌بینی بیشتری دارند که اداره چالش‌های زندگی و تفسیر درست و غلبه بر آنها را از سوی این افراد به دنبال دارد (کاراداماس، ۲۰۰۶).

از نظر شوارزر (۱۹۹۷) داشتن حس قوی خودکارآمدی، به فرایندهای شناختی و عملکرد در حوزه‌های مختلف زندگی کمک می‌کند. از آنجا که دیدگاه مثبت نسبت به آینده مستلزم ارزیابی مثبت فرد از تعامل با محیط یا داشتن اعتقاد بالنسبه قوی به بهبود وضعیت است، به منظور حفظ چنین باوری، فرد نیازمند اتکا بر خودکارآمدی، ارزیابی مثبت از بافت اجتماعی و توانایی خود برای دریافت حمایت لازم است. بر اساس نظر بندورا (۱۹۹۷) افراد با خودکارآمدی بالا اهداف چالش‌برانگیزتری انتخاب می‌کنند و حرمت خود بالایی دارند. بررسی‌های پیشین نیز نشان داده‌اند افزایش خودکارآمدی می‌تواند بر تقویت حرمت خود به عنوان هدف، تأثیر مثبت داشته باشد (شر و دیگران، ۱۹۸۲). از طرفی رضایت از زندگی، وابستگی عمیق به میزان ارزشی دارد که شخص برای خود قائل است (دینر و دینر، ۱۹۹۵) از این رو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حمایت اجتماعی به واسطه افزایش خودکارآمدی و حرمت خود، توانایی برخورد با مشکلات و تهدیدهای زندگی و رضایت نوجوان از زندگی را افزایش می‌دهد.

نتایج مطالعه حاضر از نظر کاربردی، تأثیر مثبت حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی را به واسطه افزایش حرمت خود و خودکارآمدی برجسته ساخت. اهمیت کاربردی یافته‌ها این است که با توجه به نظر غالب روان‌شناسان تحولی، نوجوانی دوره‌ای مهم در گستره زندگی محسوب می‌شود و افزایش منابع مختلف حمایت اجتماعی و درگیر شدن در شبکه اجتماعی می‌تواند از طریق تحول خودکارآمدی و حرمت خود، در سازگاری و افزایش سطح رضایت از زندگی نوجوانان نقش مؤثری داشته باشد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود، لذا یافته‌های به دست آمده باید در چهارچوب محدودیت‌های آن تفسیر شود.

۱۹۹۵؛ رجبی و دیگران، ۱۳۹۱) همسو است. تبیین این یافته به این صورت است که حمایت خانواده باعث احساس اطمینان و خودارزشمندی شخص می‌شود زیرا یکی از منابع مهم بیرونی حرمت خود، تأیید و ارزیابی مثبت دیگران است. براساس نظریه دلبستگی و مدل درون‌کاری^۱ بالبی (۱۹۷۳)، افرادی که حمایت مناسب از بافت اجتماعی به خصوص والدین دریافت می‌کنند، احساس شایستگی و ارزشمندی، اعتماد به خود و بازخورد مثبت نسبت به دیگران و دنیا در آنها تحول می‌یابد. از طرفی بر اساس فرضیه انعطاف‌پذیری بروکتر (۱۹۸۳، ۱۹۸۸ نقل از مایکانگاس و کینان، ۲۰۰۳) و نقش سپر محافظتی حرمت خود، افراد با حرمت خود بالا در مقابل رویدادهای تنیدگی‌زای محیط، انعطاف‌پذیرتر و مقاوم‌تر هستند. از این رو، ادراک حمایت اجتماعی می‌تواند با تقویت احساس شایستگی، عواطف و هیجان‌های منفی را کاهش داده و سبب بالا رفتن رضایت زندگی در فرد شود.

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد حمایت اجتماعی، رضایت از زندگی را به صورت مستقیم پیش‌بینی می‌کند و به واسطه خودکارآمدی اثر غیرمستقیم بر رضایت از زندگی دارد که با نتایج پژوهش (وانگ و دیگران، ۲۰۱۰؛ دورو، ۲۰۰۸؛ تیان و دیگران، ۲۰۱۳؛ رستمی و دیگران، ۱۳۸۹؛ ملکی‌پیربازاری و دیگران، ۱۳۹۰؛ اسدی و دیگران، ۲۰۰۶ و رضویان و دیگران، ۲۰۱۲) مطابقت دارد. به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق برخی سازوکارهای شناختی بر توانمندسازی و بهزیستی افراد مؤثر است و از دو طریق رضایت از زندگی را متأثر می‌سازد. نخست تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی بدون در نظر گرفتن میزان استیصال تجربه‌شده از جانب فرد بر رضایت از زندگی است و دوم تأثیر غیرمستقیم یا تأثیر واسطه‌ای آن است که از افراد در مقابل اثرات منفی شرایط تنیدگی‌زا محافظت می‌کند (ون‌لیون و دیگران، ۲۰۱۰). افزون بر آن، در مطالعه حاضر الگوی تجارب حمایتی و خودکارآمدی به طور تجربی، آموزه‌های نظری فرضیه توانمندسازی (شوارزر و کنول، ۲۰۰۷) را مورد تأیید قرار داد. بر اساس این آموزه‌های نظری، تجربه‌های حمایتی در رویارویی با موقعیت‌های تنیدگی‌زا به تقویت باورهای خودکارآمدی منجر می‌شوند. به همین دلیل، حمایت اجتماعی ادراک‌شده از طریق کاهش عواطف منفی

خودکارآمدی، هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان دانشگاه تهران. *فصلنامه افق دانش*، ۱۶ (۳)، ۵۴-۴۶.

عسگری، پ. و شرف‌الدین، ه. (۱۳۸۷). رابطه اضطراب اجتماعی، امیدواری و حمایت اجتماعی با احساس بهزیستی ذهنی دانشجویان. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۳ (۹)، ۳۹-۲۵.

کوزه‌چیان، ه.، نوروزی‌سیدحسینی، ر. و مرادی، ح. (۱۳۹۱). مقایسه حرمت خود و رضایت از زندگی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه تربیت مدرس. *فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۴، ۷۶-۶۱.

مجدآبادی، ز. و فرزاد، و. (۱۳۹۱). ساختار عاملی و همسانی درونی زیرمقیاس هویت سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۴)، ۱۷۸-۱۶۹.

محمدی، ن. (۱۳۸۴). بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۳۲، ۳۲۰-۳۱۳.

ملکی‌پیربازاری، م.، نوری، ر. و صرامی، ر. (۱۳۹۰). حمایت اجتماعی و علایم افسردگی: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی. *مجله روان‌شناسی معاصر*، ۶ (۲)، ۴۳-۲۶.

مهبد، م و فولادچنگ، م. (۱۳۹۱). نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱ (۲۱)، ۱۲۰-۸۸.

میکائیلی‌منیع، ف. و مهنا، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ادراک از جو مدرسه و کارآمدی با رضایت از زندگی. ششمین همایش بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم تبریز.

هومن، ح.، احدی، ح.، سپاه‌منصور، م. و شیخی، م. (۱۳۸۹). مدل‌یابی احساس تنهایی بر پایه هوش معنوی، خودکارآمدی و رضایت از زندگی. *تحقیقات روان‌شناختی*، ۲ (۷)، ۳۳-۱۹.

Alfonso, V. C., Allison, D. B., Rader, D. E., & Gorman, B. S. (1992). The Extended Satisfaction With Life Scale: Development and psychometric properties. *Social Indicators Research*, 38 (3), 275-301.

Arnett, J. J. (2010). *Adolescence and emerging adulthood: Cultural approach* (4th ed.). Upper saddle

نخست، نتایج مطالعه حاضر به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی، ممکن است شرکت‌کنندگان را به استفاده از شیوه‌های مبتنی بر کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی ناشی از عدم کفایت فردی، ترغیب کند. از سوی دیگر در پژوهش حاضر فقط از دانش‌آموزان دبیرستانی استفاده شد، بنابراین در تفسیر نتایج باید جانب احتیاط رعایت شود. همچنین با توجه به نقش تعیین‌کننده تجربه‌های حمایتی، خودکارآمدی و حرمت خود بر رضایت از زندگی، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی نمونه‌هایی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فرهنگی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

احدی، ب.، نریمانی، م.، ابوالقاسمی، ع. و آسیایی، م. (۱۳۸۸). ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲ (۱)، ۱۲۷-۱۱۷.

اصغرنژاد، ط.، احمدی‌ده‌قطب‌الدینی، م.، فرزاد، و. و خداپناهی، ک. (۱۳۸۵). مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودکارآمدی شرر. *مجله روان‌شناسی*، ۱۰ (۳)، ۲۷۴-۲۶۲.

سلیمی، ع.، جوکار، ب. و نیک‌پور، ر. (۱۳۸۸). ارتباطات اینترنتی در زندگی: بررسی نقش ادراک حمایت اجتماعی و احساس تنهایی در استفاده اینترنت. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۳ (۵)، ۱۰۲-۸۱.

شکری، ا.، فراهانی، م.، گرمی‌نوری، ر. و مرادی، ع. (۱۳۹۱). حمایت اجتماعی ادراک‌شده و تنیدگی تحصیلی: نقش تفاوت‌های جنسی و فرهنگی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۴)، ۱۵۶-۱۴۳.

رجبی، س.، ابوالقاسمی، ع. و عباسی، م. (۱۳۹۱). نقش حرمت خود و اضطراب امتحان در پیش‌بینی رضایت از زندگی دانش‌آموزان پسر دارای اختلال ریاضی. *مجله ناتوانان‌بیهوش‌یادگیری*، ۱ (۳)، ۶۲-۴۶.

رجبی، غ و بهلول، ن. (۱۳۸۶). سنجش اعتبار و روایی مقیاس حرمت خود زنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۲ (۸)، ۴۸-۳۳.

رستمی، ر.، شاه‌محمدی، خ.، قائدی، ح.، بشارت، م. ع.، اکبری‌زردخانه، ح. و نصرت‌آبادی، م. (۱۳۸۹). رابطه

- stress. *Psychosomatic Medicine*, 38, 300-314.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985).** The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, 49, 71-75.
- Diener, E., & Diener, M. (1995).** Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653-663.
- Diener, E., & Lucas, R. (1999).** *Personality and subjective well-being*. New York: Russell Sage Foundation.
- Diener, E., & Seligman, E. (2002).** Very happy people. *Psychological Science*, 13 (1), 81-84.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999).** Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- Dilmac, B., & Eksi, H. (2008).** Investigation the relationship between life satisfaction and self esteem among vocational schools students. *Journal of Institute of Social Sciences*, 20, 279-289.
- Duru, E. (2008).** The predictive analysis of adjustment difficulties from loneliness, social support, and social connectedness. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 8 (3), 849-856.
- Edwards, L. M. (2004).** Measuring perceived social support in Mexican-American youth: Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support. *Journal of Behavioral Sciences*, 26 (2), 187-194.
- Edwards, L. M., & Lopez, S. J. (2006).** Perceived family support, acculturation, and life satisfaction in Mexican-American youth: A mixed-method exploration. *Journal of Counseling Psychology*, 53(3), 279-287.
- River, NJ: Pearson Prentice Hall.
- Asadi, S. I., Vasudeva, P., & Abdollahi, M. (2006).** Relationship between quality of life, hardiness, self-efficacy and self-esteem amongst employed and unemployed married women in Zabol. *Iran Journal of Psychiatry*, 1, 104-111.
- Bandura, A. (1997).** *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: W. H. Freeman and Company.
- Benight, C. C., & Bandura, A. (2004).** Social cognitive theory of post-traumatic recovery: The role of perceived self-efficacy. *Behavior Research and Therapy*, 42, 1129-1148.
- Bowlby, J. (1973).** *Attachment and loss (Vol.II): Separation*. New York: Basic Books.
- Brissette, I., Scheier, M. F., & Carver, C. S. (2002).** The role of optimism in social network development, coping and psychological adjustment during a life transition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 102-111.
- Canty-Mitchell, J., & Zimet, G. D. (2000).** Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support in urban adolescents. *American Journal of Community Psychology*, 28, 391-400.
- Cha, K. H. (2003).** Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, 62, 455-477.
- Chen, G., Gully, S. M., & Eden, D. (2001).** Validation of a new General Self-Efficacy Scale. *Organizational Research Methods*, 4 (1), 62-68.
- Chow, H. P. (2005).** Life satisfaction among university students in a Canadian prairie city: A multivariate analysis. *Social Indicators Research*, 70, 139-150.
- Cobb, S. (1976).** Social support as a moderator of life

- Skills*, 80, 304-306.
- Makikangas, A., & Kinnunen, U. (2003).** Psycho-social work stressors and well-being: Self-esteem and optimism as moderators in a one-year longitudinal sample. *Personality and Individual Differences*, 35, 537-557.
- Pavot, W., & Diener, E. (2008).** The Satisfaction with Life Scale and the emerging construct of life satisfaction. *Journal of Positive Psychology*, 3, 137-152.
- Pavot, W., Diener, E., Colvin, C. R., & Sandvik, E. (1991).** Response artifacts in the measurement of subjective well-being. *Social Indicators Research*, 24, 35-56.
- Razaviyayn, M., Padash, Z., & Azam Moradi, A. (2012).** The determination of self-esteem, self-efficacy and achievement motivation measures in predicting women's quality of life. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4 (2), 447-461.
- Rosenberg, M. (1965).** *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rueger, S. Y., Malecki, C. K., & Demaray, M. K. (2010).** Relationship between multiple sources of perceived social support and psychological and academic adjustment in early adolescence: Comparisons across gender. *Journal of Youth Adolescence*, 39, 47-61.
- Savi Çakar, S. (2012).** The Relationship between the self-efficacy and life satisfaction of young adults. *International Education Studies*, 5 (6), 123-130.
- Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (2000).** Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55, 5-14.
- Frisen, A. (2007).** Measuring health-related quality of life in adolescence. *Acta Paediatrica*, 96 (7), 963-968.
- Huebner, E. S. (1994).** Preliminary development and validation of a multidimensional life satisfaction scale for children. *Psychological Assessment*, 6, 149-158.
- Huebner, E. S., & Gilman, R. (2006).** Students who like and dislike school. *Applied Research in Quality of Life*, 1, 139-150.
- Huebner, S. E., Gilman, R., & Laughlin, J. E. (1999).** A multimethod investigation of the multidimensionality of children's well-being reports: Discriminant validity of life satisfaction and self-esteem. *Social Indicators Research*, 46 (1), 1-22.
- Kapikiran, S. (2013).** Loneliness and life satisfaction in Turkish early adolescents: The mediating role of self-esteem and social support. *Social Indicators Research*, 111, 617-632.
- Karademas, E. C. (2006).** Self-efficacy, social support and well-being: The mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences*, 40, 1281-1290.
- Kline, R. B. (1998).** *Principles and practice of structural equation modeling*. Thousand Oaks, CA: Sage Publication.
- Leung, B. W. C., Moneta, G. B., & McBride-Chang, C. (2005).** Think positively and feel positively: Optimism and life satisfaction in late life. *International Journal of Aging and Human Development*, 61(4), 335-365.
- Lewis, C. A., Shevlin, M. E., Bunting, B. P., & Joseph, S. (1995).** Confirmatory factor analysis of the Satisfaction with Life Scale: Replication and methodological refinement. *Perceptual and Motor*

- itive psychology. New York: Oxford University Press.
- Tian, L., Liu, B., Huang, E. S., & Huebner, S. (2013).** Perceived social support and school well-being among Chinese early and middle adolescents: The mediational role of self-esteem. *Social Indicators Research, 113*, 991-1008.
- Van Leeuwen, M. C., Post, W. M., Van Asbeck, W. F., Vander Woude, H. V., Groot, S., & Lindeman, E. (2010).** Social support and life satisfaction in spinal cord injury during and up to one year after inpatient rehabilitation. *Journal of Psychology, 3*, 265-271.
- Verissimo, R. (2005).** Emotional intelligence, social support and affect regulation. *Acta médica portuguesa, 18* (5), 345-352.
- Wan, C. K., Jaccard, J., & Ramey, S. L. (1996).** The relationship between social support and life satisfaction as a function of family structure. *Journal of Marriage and Family, 58*, 502-513.
- Windle, M. (1992).** A longitudinal study of stress buffering for adolescent problem behaviors. *Developmental Psychology, 28*, 522-530.
- Wong, D. F. K., Chang, Y., He, X., & Wu, Q. (2010).** The protective functions of relationships, social support and self-esteem in the life satisfaction of children of migrant workers in Shanghai, China. *International Journal of Social Psychiatry, 56* (2), 143-157.
- World Health Organization (2001).** *International classification of functioning disability and health*. Geneva: World Health Organization.
- Zimet, G., Dahlem, N., Zimet, S., & Farley, G. (1988).** The Multidimensional Scale of Perceived Social Support. *Journal of Personality Assess-*
- Schwartz, B. (2000).** Self-determination: The tyranny of freedom. *American Psychologist, 55*, 79-88.
- Schwarzer, R. (1997).** *General perceived self-efficacy in 14 cultures*. Retrieved 10 June, 2014 from <http://www.yorku.ca/faculty/academic/schwarze/world14.htm>.
- Schwarzer, R., & Knoll, N. (2007).** Functional roles of social support within the stress and coping process: A theoretical and empirical overview. *International Journal of Psychology, 42* (4), 243-252.
- Schwarzer, R., & Jerusalem, M. (1995).** Generalized Self-Efficacy Scale. In J. Weinman, S. Wright, & M. Johnston (Eds.), *Measures in health psychology: A user's portfolio causal and control beliefs* (pp. 35-37). Windsor, UK: Nfer-Nelson.
- Shek, D. T. L. (2005).** Economic stress, emotional quality of life, and problem behavior in Chinese adolescents with and without economic disadvantage. *Social Indicators Research, 71* (1-3), 363-383.
- Sherer, M., Maddux, J. E., Mercadante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. W. (1982).** The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological Reports, 51*, 663-671.
- Shin, D. C., & Johnson, D. M. (1978).** Avowed happiness as an overall assessment of quality of life. *Social Indicators Research, 5*, 475-492.
- Smith, E. E., Nolen-Hoeksema, S., Fredrickson, B., & Loftus, G. (2002).** *Atkinson and Hilgard's introduction to psychology* (14th ed). New York: Wadsworth Publications.
- Suldo, S. M., & Huebner, E. S. (2006).** Is extremely high life satisfaction during adolescence advantageous? *Social Indicators Research, 78*, 179-203.
- Snyder, C. R., & Lopez, SH. (2002).** *Handbook of pos-*

Contribution of collective self-esteem. *International Journal of Psychology*, 40 (3), 189-200.

ment, 52, 30-41.

Zhang, L. (2005). Prediction of Chinese life satisfaction: